طلیعه

اروپا و برجام

علاءالدین وحیدغروی
مدرس دانشکده روابط بین‌الملل

پیش از پرداختن به وضعیت کنونی روابط سیاسی-اقتصادی اتحادیه اروپا با جمهوری اسلامی ایران در دوره پسابرجام، لازم است نگاهی هرچند کوتاه و گذرا به سابقه تاریخی روابط ایران و اروپا در چند قرن گذشته داشته باشیم تا در پرتو این پیش‌آگاهی، بتوانیم تحلیلی درست از وضعیت کنونی به دست آوریم. در دورانی که از سلطنت خاندان صفویه آغاز شده و تا پایان دوره زندیه ادامه داشت، ورود فرستاده‌های کشورهای اروپایی به دربار شاهان ایرانی به مناسبت‌های مختلف مانند جلوس شاه جدید به تخت سلطنت یا مرگ پادشاه و در مواقعی برای انعقاد عهدنامه یا تسلیم‌نامه صورت می‌گرفت. مهم‌ترین سفارت اروپایی در دوران پس از تأسیس رسمی سفارت‌خانه‌ها (در اواخر قرن نوزدهم) به سلطنت شاه عباس صفوی برمی‌گردد. سه اشراف‌زاده انگلیسی به نام‌های سر رابرت، سر آنتونی و سر توماس به نمایندگی از اروپای مسیحی به دربار شاه عباس در اصفهان وارد شدند تا شاه عباس اول (کبیر) را به جنگ با دولت عثمانی ترغیب کنند تا کشورهای اروپای مسیحی‌اش که از حملات نیروهای عثمانی به سرزمین‌های خود به ستوه آمده بودند، نفس راحتی بکشند. این ماموریت با موفقیت همراه بود و شرایط از اهداف اولیه انگلیسی‌ها بود، چراکه شاه صفوی برادران خود را به‌عنوان سفرای خود برای مذاکره و گشودن باب روابط به پایتخت‌های اروپایی گسیل کرد. در سال‌های آغازین قرن نوزدهم دولت بریتانیا سفارت خود را در تهران گشود تا بتواند به‌عنوان دژی مستحکم سیاست‌های دولت استعماری را در کشوری که به خاطر هند بریتانیا به کشور حائل معروف شده بود، اعمال کند. از آن پس، دیگر کشورهای اروپایی به‌تدریج سفارت‌های خود را در تهران دایر کردند؛ هرچند تعیین‌کننده میزان رابطه دیگر دولت‌های اروپایی با دربار ایران در مقطع تاریخی منتهی به جنگ جهانی اول، دو دولت روس و انگلیس بودند. بر همین منوال آلمان به‌خاطر به‌دست‌آوردن قدرت فزاینده سیاسی و نظامی‌اش و رقابت با بریتانیا، چند دهه از داشتن رابطه گرم با ایران محروم بود و دیگر دولت‌های اروپایی مانند بلژیک نیز خود را با سیاست‌های بریتانیا در ایران هماهنگ می‌کردند تا بتوانند سهمی از بازار ایران را به دست آورند. پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حضور آمریکا به عنوان قدرت برتر در صحنه سیاسی ایران، متحدان اروپایی آن کشور نیز روابط مودت‌آمیز خود را با ایران حفظ کردند. در سال‌های آغازین پس از انقلاب تا بحران کوکان‌اروپا و به دنبال آن شروع جنگ تحمیلی، روابط اروپا با ایران تحت تاثیر سیاست‌های آمریکا قرار گرفت، ولی به استثنای انگلیس، در دیگر سفارت‌های اروپایی در تهران بسته نشد. نکته درخورتوجه این است که دولت‌های اروپایی پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹، نگرش مداخله‌گرایانه و سلطه‌طلبانه خود درباره جمهوری اسلامی ایران را بازنگری کردند تا بتوانند جایگاهی در روابط خارجی ایران داشته باشند. حضور قدرتمندانه ایران در مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های جهانی، جایگاه ایران را ارتقا داده و با وجود ناخشنودی رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب، اروپایی‌ها با شتاب راه تهران را در پیش گرفتند تا با کشوری که در قامت یک قدرت منطقه‌ای در صحنه سیاسی خاورمیانه ایفای نقش می‌کند، رابطه برقرار کنند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در یک دهه گذشته و به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، روابط سیاسی و اقتصادی خود را به حداقل رسانده و تا حق‌وضع این مسئله در انتظار ماندند. بااین‌همه، اشتیاق اروپایی‌ها برای گسترش روابط اقتصادی به حدی بود که حتی منتظر امضای قطعنامه‌های توافق نهایی نماندند و هیات‌های اقتصادی خود را روانه تهران کردند. پیش‌بینی تحلیل‌گران اقتصادی اروپایی درست از آب درآمد و کسانی که زودتر آمده بودند، بهتر از سوی مقامات ایرانی استقبال شدند. از سوی دیگر، به شایسته‌گری اروپایی‌ها در اعزام هیات‌های اقتصادی به ایران از سوی مقامات انگلیسی انتقاد شد؛ ولی در این سوی انتقادی کوش کسی به‌دهکار این حرف‌ها نبود. هیات‌های اقتصادی بسیاری که صاحبان صنایع و سرمایه‌گذاران بزرگ در آنها حضوری پررنگ‌تر داشتند، موافقت‌نامه‌هایی را با طرف ایرانی منعقد کردند تا در مرحله بعد و پس از رفع موانع بانکی برنامه‌ها را آغاز کنند. در ۲۸ فروردین سال جاری، خانم فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به همراه هفت کمیسیونر اتحادیه اروپایی به تهران آمد تا ضمن ارزیابی مسائل اجرای برجام، روابط همه‌جانبه کشورهای عضو اتحادیه با ایران گسترش یابد. حضور کمیسیونرهای «بازار داخلی و صنعت»، «حمل‌ونقل»، «اقلیم و انرژی»، «پژوهش، علوم و نوآوری»، «آموزش، فرهنگ، جوانان و ورزش»، «کمک‌های بشردوستانه و مدیریت بحران»، «محیط زیست، امور دریانوردی و ماهی‌گیری» به‌وضوح نشان داد که اروپای واحد، قارع از آنچه در آن‌سوی آتلانتیک می‌گذرد، به دنبال کسب‌وکار خودش است؛ باید حوزه تعاملمان را باز نشد تا با گفت‌وگو بتوانیم نقاط مشترکی بیابیم. این تعامل در حرف و عمل باید سازنده باشد. برای تنهیل همکاری‌های بیشتر و با هدف افتتاح نمایندگی اتحادیه در ایران، بخشی از بخش روابط عمومی اتحادیه در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۱۶ به تهران ارسال شد و در سفارت فنلاند مستقر شد. تحرکات اروپایی‌ها در گسترش روابطی با ایران که اغلب اقتصادی است و با گسترش اروپایی‌ها در بخش دولت و بخش خصوصی استقبال شد، با بازار خسته از رکود و دل‌زده از سلطه بلامنازع کالاهای چینی- به این رویکرد با لبخند پاسخ داد. اما در بخش دولتی نیاز جرائی برای جلب سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی مانند انرژی، حمل‌ونقل و صنایع مواد غذایی دولت‌مردانی بخش که افت تولید و تعطیلی بخشی از صنایع تولیدی دغدغه آنان است. با وجود زحمت‌های منفی از سوی مقامات اروپایی و لابی صهیونیستی در آمریکا که تا حدودی باعث موضع‌گیری‌های منفی و دوگانه دولت اوباما درباره فعالیت‌های بانکی شده و نزدیکی به بازار ایران را برای سرمایه‌گذاران اروپایی محدود ساخته و با خطر نشدن می‌دهد، از شدت ترافیک شرکت‌های برزک اروپایی به تهران کاسته نشده است. سفر اخیر تزک طریف، وزیر خارجه، به برخی پایتخت‌های اروپایی و استقبال گرم سران این کشورها به‌ویژه استقبال فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه، از وی به‌مانند یک رهبر سیاسی نشان از آن دارد که اروپا برای دارای دانش رابطه گرم با ایران در دوران پسابرجام، حیطه محدودیتی قائل نیست. باید این واقعیت را بپذیریم که در شرایط بین‌المللی حتی‌اگرچه که جهان به سوی چندقطبی‌شدن پیش می‌رود، اتحادیه اروپا چون و کشش به‌سمت یک قطب سیاسی واحد، با فرمان کاخ سفید حرکت نمی‌کند و با درک جایگاه اروپا در چنین در معادلات منطقه‌ای و جهانی، تصمیم خود را برای تعامل هر چه بیشتر با ایران گرفته است. بدون شک، خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، نه تنها تاثیری بسزایی بر نوع و میزان روابط و اتحادیه نخواهد گذاشت بلکه اروپای منسجم و بدون یک شریک بر عسلنه و متاثر از سیاست‌های کاخ سفید، در درازمدت برای ایران خواهد بود.

مدیر کل وزارت خارجه دولت اصلاحات در گفت‌وگو با «شرق»

دولت در موضوع برجام به دلیل گرفتاری‌های داخلی و اقتصادی، به لاک دفاعی رفته است

ورود عزتمندانه به عرصه بین‌المللی با عادی‌سازی روابط با کشورهای بزرگ، باطل‌السحر کارشکنی‌های اعراب است

عکس: آیدین هدر

حامد طیبی: رسیدن به توافق بر سر برنامه جامع اقدام مشترک، یکی از مهم‌ترین اتفاقات سال میلادی گذشته در سطح جهان بود. مارتن ۲۲ ماهه مذاکرات هسته‌ای در دولت حسن روحانی، سرانجام به ایستگاه نهایی رسید و چند ماه بعد از اعلام توافق، وارد فاز اجرائی شد. کم نیستند تحلیل‌گرانی که انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۹۲ و نقش‌آفرینی گروه‌های سیاسی اصلاح‌طلب و میانه‌رو برای اجماع روی نام حسن روحانی و حضور چشمگیر مردم در آن انتخابات را، برگ‌برنده ایران برای ورود از موضع بالا به مذاکرات در مقابله با دولت احمدی‌نژاد می‌دانند. شاید اظهارنظر حجت‌الاسلام مهدی هاشمی، از یادها رفته باشد که او اول اسفندماه سال ۹۲ یعنی شش ماه بعد از آغاز کار دولت یازدهم، گفت: «احمدی‌نژاد به درد مذاکره نمی‌خورد. چراکه می‌گفت هولوکاست را قبول ندارد و اسرائیل باید از روی کره زمین محو شود. اما آقای روحانی برای مذاکره رد نشدنی است. اصلا روی پیشانی او نوشته شده هذا رجل المذاکره! بنابراین آمریکا دیگر نمی‌تواند به ما زیاد بگوید او اهل مذاکره نیست. اما می‌توانستند ادعا کنند ایشان در ایران کاره‌ای نیست و تصمیم اصلی را رهبری می‌گیرد. اما در همین‌زمان مقام معظم رهبری، ترمش قهرمانانه را مطرح کردند تا به بایتخت‌های اروپایی گسیل شود. در سال‌های آغازین قرن نوزدهم دولت بریتانیا سفارت خود را در تهران گشود تا بتواند به‌عنوان دژی مستحکم سیاست‌های دولت استعماری را در کشوری که به خاطر هند بریتانیا به کشور حائل معروف شده بود، اعمال کند. از آن پس، دیگر کشورهای اروپایی به‌تدریج سفارت‌های خود را در تهران دایر کردند؛ هرچند تعیین‌کننده میزان رابطه دیگر دولت‌های اروپایی با دربار ایران در مقطع تاریخی منتهی به جنگ جهانی اول، دو دولت روس و انگلیس بودند. بر همین منوال آلمان به‌خاطر به‌دست‌آوردن قدرت فزاینده سیاسی و نظامی‌اش و رقابت با بریتانیا، چند دهه از داشتن رابطه گرم با ایران محروم بود و دیگر دولت‌های اروپایی مانند بلژیک نیز خود را با سیاست‌های بریتانیا در ایران هماهنگ می‌کردند تا بتوانند سهمی از بازار ایران را به دست آورند. پس از جنگ جهانی دوم، به‌ویژه پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و حضور آمریکا به عنوان قدرت برتر در صحنه سیاسی ایران، متحدان اروپایی آن کشور نیز روابط مودت‌آمیز خود را با ایران حفظ کردند. در سال‌های آغازین پس از انقلاب تا بحران کوکان‌اروپا و به دنبال آن شروع جنگ تحمیلی، روابط اروپا با ایران تحت تاثیر سیاست‌های آمریکا قرار گرفت، ولی به استثنای انگلیس، در دیگر سفارت‌های اروپایی در تهران بسته نشد. نکته درخورتوجه این است که دولت‌های اروپایی پس از پیروزی انقلاب در سال ۱۹۷۹، نگرش مداخله‌گرایانه و سلطه‌طلبانه خود درباره جمهوری اسلامی ایران را بازنگری کردند تا بتوانند جایگاهی در روابط خارجی ایران داشته باشند. حضور قدرتمندانه ایران در مذاکرات هسته‌ای با قدرت‌های جهانی، جایگاه ایران را ارتقا داده و با وجود ناخشنودی رژیم صهیونیستی و ارتجاع عرب، اروپایی‌ها با شتاب راه تهران را در پیش گرفتند تا با کشوری که در قامت یک قدرت منطقه‌ای در صحنه سیاسی خاورمیانه ایفای نقش می‌کند، رابطه برقرار کنند. کشورهای عضو اتحادیه اروپا در یک دهه گذشته و به بهانه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، روابط سیاسی و اقتصادی خود را به حداقل رسانده و تا حق‌وضع این مسئله در انتظار ماندند. بااین‌همه، اشتیاق اروپایی‌ها برای گسترش روابط اقتصادی به حدی بود که حتی منتظر امضای قطعنامه‌های توافق نهایی نماندند و هیات‌های اقتصادی خود را روانه تهران کردند. پیش‌بینی تحلیل‌گران اقتصادی اروپایی درست از آب درآمد و کسانی که زودتر آمده بودند، بهتر از سوی مقامات ایرانی استقبال شدند. از سوی دیگر، به شایسته‌گری اروپایی‌ها در اعزام هیات‌های اقتصادی به ایران از سوی مقامات انگلیسی انتقاد شد؛ ولی در این سوی انتقادی کوش کسی به‌دهکار این حرف‌ها نبود. هیات‌های اقتصادی بسیاری که صاحبان صنایع و سرمایه‌گذاران بزرگ در آنها حضوری پررنگ‌تر داشتند، موافقت‌نامه‌هایی را با طرف ایرانی منعقد کردند تا در مرحله بعد و پس از رفع موانع بانکی برنامه‌ها را آغاز کنند. در ۲۸ فروردین سال جاری، خانم فدریکا موگرینی، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، به همراه هفت کمیسیونر اتحادیه اروپایی به تهران آمد تا ضمن ارزیابی مسائل اجرای برجام، روابط همه‌جانبه کشورهای عضو اتحادیه با ایران گسترش یابد. حضور کمیسیونرهای «بازار داخلی و صنعت»، «حمل‌ونقل»، «اقلیم و انرژی»، «پژوهش، علوم و نوآوری»، «آموزش، فرهنگ، جوانان و ورزش»، «کمک‌های بشردوستانه و مدیریت بحران»، «محیط زیست، امور دریانوردی و ماهی‌گیری» به‌وضوح نشان داد که اروپای واحد، قارع از آنچه در آن‌سوی آتلانتیک می‌گذرد، به دنبال کسب‌وکار خودش است؛ باید حوزه تعاملمان را باز نشد تا با گفت‌وگو بتوانیم نقاط مشترکی بیابیم. این تعامل در حرف و عمل باید سازنده باشد. برای تنهیل همکاری‌های بیشتر و با هدف افتتاح نمایندگی اتحادیه در ایران، بخشی از بخش روابط عمومی اتحادیه در تاریخ ۲۲ آوریل ۲۱۶ به تهران ارسال شد و در سفارت فنلاند مستقر شد. تحرکات اروپایی‌ها در گسترش روابطی با ایران که اغلب اقتصادی است و با گسترش اروپایی‌ها در بخش دولت و بخش خصوصی استقبال شد، با بازار خسته از رکود و دل‌زده از سلطه بلامنازع کالاهای چینی- به این رویکرد با لبخند پاسخ داد. اما در بخش دولتی نیاز جرائی برای جلب سرمایه‌گذاری در بخش‌های زیربنایی مانند انرژی، حمل‌ونقل و صنایع مواد غذایی دولت‌مردانی بخش که افت تولید و تعطیلی بخشی از صنایع تولیدی دغدغه آنان است. با وجود زحمت‌های منفی از سوی مقامات اروپایی و لابی صهیونیستی در آمریکا که تا حدودی باعث موضع‌گیری‌های منفی و دوگانه دولت اوباما درباره فعالیت‌های بانکی شده و نزدیکی به بازار ایران را برای سرمایه‌گذاران اروپایی محدود ساخته و با خطر نشدن می‌دهد، از شدت ترافیک شرکت‌های برزک اروپایی به تهران کاسته نشده است. سفر اخیر تزک طریف، وزیر خارجه، به برخی پایتخت‌های اروپایی و استقبال گرم سران این کشورها به‌ویژه استقبال فرانسوا اولاند، رئیس‌جمهوری فرانسه، از وی به‌مانند یک رهبر سیاسی نشان از آن دارد که اروپا برای دارای دانش رابطه گرم با ایران در دوران پسابرجام، حیطه محدودیتی قائل نیست. باید این واقعیت را بپذیریم که در شرایط بین‌المللی حتی‌اگرچه که جهان به سوی چندقطبی‌شدن پیش می‌رود، اتحادیه اروپا چون و کشش به‌سمت یک قطب سیاسی واحد، با فرمان کاخ سفید حرکت نمی‌کند و با درک جایگاه اروپا در چنین در معادلات منطقه‌ای و جهانی، تصمیم خود را برای تعامل هر چه بیشتر با ایران گرفته است. بدون شک، خروج انگلیس از اتحادیه اروپا، نه تنها تاثیری بسزایی بر نوع و میزان روابط و اتحادیه نخواهد گذاشت بلکه اروپای منسجم و بدون یک شریک بر عسلنه و متاثر از سیاست‌های کاخ سفید، در درازمدت برای ایران خواهد بود.

◄ منظورشما درباره کندی اجرای برجام، معطوف به عملکرد کاخ سفید است؟

بیش از آن، اشاره من به مباحث داخلی است. منظورم برخی گشمپاشی‌ها در دفاع از این بند مهم که واقعا با توجه به شرایطی که ایران وارد مذاکرات شد و با شش قدرت جهانی طرف بودیم، یک افتخار بزرگ ملی و حتی جهانی است. غیر از این مسئله، حملات فرصت‌طلبانه و کاسب‌کارانه به برجام از سوی برخی محافل و جریان‌های شناخته‌شده خاص که اگر درد منافع ملی داشتند باید به اجرائی‌شدن برجام و مطالبه‌گری از طرف‌های خارجی می‌پرداختند، همه‌وهمه در کندی برجام موثر بوده است. آنها آب به آسیاب همان کشورهای غربی، اسرائیل و عربستان می‌ریزند که ارقضا آنها را دشمن می‌دانند!

◄ درباره برنامه جامع اقدام مشترک، این کروهبی که به آن اشاره کردید، معتقد است اصل برجام به کوه‌ای تنظیم شده که همان طور که پیش‌بینی می‌شد، اجرای آن ممکن نیست و غرب به‌ویژه ایالات متحده، با روش‌های دیگری آن را خنثی می‌کند. موافقان هم با توجه به برخی دستاوردهای موجود، اعلام می‌کنند روابطی که هشت سال تخریب شده، یک‌شبه بازسازی نمی‌شود و منتقدان دولت آن روزکه در دوران احمدی‌نژاد به آن شکل به دیپلماسی نگاه می‌کردند، باید فکر آثار و عواقب آن را می‌کردند. به نظر می‌رسد شدت آتش تهیه مخالفان در رسانه‌های دولتی

کنارفتن پروژه ایران‌هراسی، شکست اجماع بین‌المللی علیه ایران، تغییر فضای بین‌المللی و رویکرد مثبت جهان و کشورهای تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی به سوی ایران، لغو قطع‌نامه‌های الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد، لغو همه تحریم‌های مرتبط با مسئله هسته‌ای، بازشدن فضای تعامل اقتصادی با جهان و به‌ویژه افزایش سریع صادرات نفت، آزادشدن پول‌های بلوکه‌شده، برقراری پوشش بیمه‌ای کشتی‌رانی، هواپیما و هواندوری و... قلب عبلها. اما مهم‌ترین دستاورد این بود که ایران از حوزه تهدید امنیت بین‌المللی خارج شد و با این موضوع ابرهای شوم جنگ از فضای کشور رخت بربست. بنابراین دشوار نیست که کدامیک از دو دیدگاهی که در سؤال شما به آن اشاره شد، را برحق بدانیم.

◄ به‌طی‌نمودن مواضع جریان خاص منتقد برجام درباره این سند جهانی اشاره کردید. چرا این مسئله به یک مسئله ملی تبدیل نشده تا ما از موضع ملی، مطالبه‌گری برای برجام و واداردکردن دولت کشورها به انجام تعهدات خود در برجام را دنبال کنیم؟

در فضای سیاسی داخلی، قلدان اتحاد و یکپارچگی در توافقی که خواست نظام بود و نه‌فقط خواست روحانی و ظریف، همچنان مسئله‌ساز است.

◄ چرا به پدیده‌های مبه‌نون اهرمی برای حذف دولت غیرمطلوب یک جریان سیاسی در داخل نگریسته می‌شود؟ منظورم این است این بی‌تابی داخلی دربک موضوع ملی، از سوی طرف‌های خارجی رصد می‌شود؟

متاسفانه برای برخی از جناح‌های سیاسی داخل، توافق بهانه‌ای برای تضعیف دولت، مشوش‌کردن افکار عمومی و درنهایت شکست و از میدان بیرون‌کردن روحانی بود و لاغیر. جنجال روزانه و به‌روز اینکه لشکر رسانه‌های مخالفان داخلی برجام و تحقق‌نیافتن وعده‌های دولت در آنچه مربوط به رفع و لغو کامل تحریم‌ها بیش از آنکه واقعی و از سر دلسوزی برای آینده کشور باشد، ریشه در منازعات سیاسی به‌ویژه در سال پایانی عمر دولت و کلیدخوردن مبارزات پیش‌رس و زودهنگام انتخاباتی ریاست‌جمهوری سال ۹۶ دارد. این نگرش نه ملی است و نه نه‌تامین‌کننده منافع ملت که به‌تازگی از سیطره فضای امنیتی و تهدید بین‌المللی خارج شده است. این نیز بسیار جالب اهمیت است. کنارفتن پروژه ایران‌هراسی، شکست اجماع بین‌المللی علیه ایران، تغییر فضای بین‌المللی و رویکرد مثبت جهان و کشورهای تاثیرگذار در عرصه بین‌المللی به سوی ایران، لغو قطع‌نامه‌های الزام‌آور شورای امنیت سازمان ملل متحد، لغو همه تحریم‌های مرتبط با مسئله هسته‌ای، بازشدن فضای تعامل اقتصادی با جهان و به‌ویژه افزایش سریع صادرات نفت، آزادشدن پول‌های بلوکه‌شده، برقراری پوشش بیمه‌ای کشتی‌رانی، هواپیما و هواندوری و... قلب عبلها. اما مهم‌ترین دستاورد این بود که ایران از حوزه تهدید امنیت بین‌المللی خارج شد و با این موضوع ابرهای شوم جنگ از فضای کشور رخت بربست. بنابراین دشوار نیست که کدامیک از دو دیدگاهی که در سؤال شما به آن اشاره شد، را برحق بدانیم.

◄ با مثبت‌شدن همچنان پایرجاست. اما به‌صورت بخشی از تحریم‌ها لغو شد. درمجموع ما برجام را مثبت ارزیابی می‌کنیم.

ما بوده تا هنوز، انتظارات ما در برابر برجام بوده و باید بپینیم چرا این توافقات به نتیجه نرسید؛ این مذاکرات فقط بخشی از اهداف ما بوده که اتفاق افتاد و تصمیمات دیگری در چنین تحریم‌ها به‌می‌کنانند تا با افزایش نظام تحریم‌های ضدایرانی، پای دولت آمریکا وسط نیاید. حال باید خود را آماده این مراحل تکمیل و نباید اجازه دهیم که تا فضای ایران در دنیا امنیتی شود.

◄ چین و روسیه در دوران مذاکرات هسته‌ای، به کوه‌ای عمل کردند که بارها انتقاد تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای ایران را به دنبال داشت. با توجه به اینکه در برجام پیش‌بینی شده نقض عهد هر یک از کشورها باید با تذکر سایر کشورهای امضاکننده مواجه شود، این دو کشور که منافع زیادی در ایران دارند، پیش از اندازه منفعل نیستند؟

هر دو کشوری که نام بردید با درجه‌ای تفاوت، حامی و به نظر من بسیار جالب است که سیاوشی که ما از کشورهای ۵+۱ و غربی‌ها در دیدکردن سیاوش‌ها داریم، اکنون دولت متوجه شده که دیگر نمی‌تواند روی برجام، دستاوردهای اقتصادی آن و به‌ویژه رفع تحریم تکیه کند. بنابراین در حال آماده‌کردن افکارعمومی است.

او که حالا به جای مجلس شورای اسلامی در شورای شهر تهران روزگار می‌گذراند، با اشاره به اینکه اظهارات دولتی‌ها که رفع مشکل آب را هم به برجام گره‌زده بودند، یادآور شد: این در حالی است که آنها اکنون باید مردم را آماده و توجیه کنند که اتفاق خاصی قرار نیست بعد از برجام بیفتد و اتفاقاتی هم که افتاده، صرفا نسبه است چراکه ما هر چه داشته‌ایم خرج کرده و اقدامات لازم را انجام داده‌ایم و آزادی هم این نکته را تایید کرده است.

نماینده پیرانشهر در مجلس دهم نیز با بیان اینکه وضعیت معیشتی مردم پس از برجام تغییری نکرده است، گفت: ما همچنین مشکلات ساختاری در زمینه کسب‌وکار داریم و ساختار داخلی اقتصاد کشور نیاز به بررسی دارد. خطری متعقد است از سوی طرف مقابل در برجام کارشکنی صورت گرفته، چراکه یک سال از برجام گذشته است اما شرایط حاکی از آن است که به نتایج مدنظر برجام دست پیدا نکرده‌ایم. به گفته او لغو فروش بوینگ به ایران و بلوکه‌شدن دو میلیارد دلار ایران ازسوی آمریکا، خود مصداق نقض برجام است و ما نیاز به راهکار سریع‌تری پیشی بگیریم. در همین‌راستا این دست اظهارات ازسوی دولتی‌های داخلی که گفتاوبا بادا مذاکرات در شرایط خاص دولتی احمدی‌نژاد به شرایط نیازمند ایران باشند. در شرایطی مدام تکرار می‌شود که سایت معتبر اقتصادی کواترز گزارش داده است: «اقتصاد ایران پس از توافق هسته‌ای به آرامی جان را بازسازی می‌کند اما دو تغییر عمده و روشن‌شده اقتصاد ایران پس از دستیابی به توافق هسته‌ای، یکی افزایش صادرات نفت است که تقریبا از زمان برداشته‌شدن تحریم‌ها تاکنون دو برابر شده و دیگری افزایش قراردادهای تجاری متعدد با شرکت‌های خارجی و سرمایه‌گذاری‌های متعدد آنها در فضای مجازی. دولت را به لاک دفاعی فرو برده تا جایی که به جای دفاع، آنان نیز کم‌کم به زبان منتقدان سخن می‌گویند. اگرچه ممکن است این روشی تاکتیکی برای استراتژیکی از طرف ۵+۱ برای وادارکردن ایران به تسریع عمل به تعهداتشان در برجام باشد، اما باید اذعان و اعتراف کرد کشورمان به دلایلی که گفته شد، توانست از فرصت طلایی توافق برای تقویت بنیه تعهداتشان در برجام، از آن استفاده حداکثری کند. مهم‌ترین دلیل این مسئله نبود اجماع در داخل کشور برای مدیریت فضای پس از توافق و به‌هرصورت از امتیازاتی بود که غرب برای دستیابی به توافق با ایران، به آن نه داده بود. کسانی که مخالف دستیابی به توافق بودند، با وجود تلاش‌های گسترده‌ای در محافل و رسانه‌های پرتعداد مکتوب، مجازی، دیداری و شنیداری امنیتی قرار داشتیم و حتی در دولت قبل کزینه امنیتی‌شدن قوت گرفت تا اینکه پرونده ایران به شورای امنیت فرستاده شود و به مسائلی مبتلا شدیم که برای امنیت جهان به حساب آمدیم. حتی کمک به دوستان ما در منطقه، امکان‌پذیر شد.

ناصر هادیان درباره نحوه مذاکرات متقابل ایران و ۵+۱، گفت: رفتار طرف مقابل یک انسجام استراتژیک داشته در حالی که طرف ایرانی این انسجام استراتژیک را نداشته است. مهم‌ترین دستاورد برجام پررنگ‌تر ایران از بن‌بست استراتژیک از سوی طرف مقابل بود. برجام این امکان را به ما داد تا از راهی که غرب پیش‌پای ایران گذاشته بود، رهایی یابیم. برجام ما را در مسیر غیر امنیت‌سازی قرار داد به‌طوری‌که پیش از آن، ما در بن‌بست کامل بود که متاسفانه همچنان پایرجاست. اما به‌صورت بخشی از تحریم‌ها لغو شد. درمجموع ما برجام را مثبت ارزیابی می‌کنیم.

اهداف ما بوده تا هنوز، انتظارات ما در برابر برجام بوده و باید ببینیم چرا این توافقات به نتیجه نرسید؛ این مذاکرات فقط بخشی از تحریم‌ها را نتوانستیم لغو کنیم. این مذاکرات فقط بخشی از وقوع جنگی ویرانگر بودیم و البته در کنار آن، لغو تحریم‌ها نیز برای ما بسیار مهم بود. از سوی دیگر، تناقض‌ها از برجام به‌عنوان یک اشتباه تاریخی یاد می‌کند و حتی ترامپ نیز با برجام مخالف بود، آنها ایران را در کنار رینک انداخته بودند و اعتقاد داشتند اگر فشارها بیش از اوباما فشارها را بر ایران افزایش می‌دهیم، اگر برجام بود که متاسفانه همچنان پایرجاست. اما به‌صورت بخشی از تحریم‌ها لغو شد. درمجموع ما برجام را مثبت ارزیابی می‌کنیم.

پس از توافقات به نتیجه نرسید؛ این مذاکرات فقط بخشی از اهداف ما بوده که اتفاق افتاد و تصمیمات دیگری در چنین تحریم‌ها به‌می‌کنانند تا با افزایش نظام تحریم‌های ضدایرانی، پای دولت آمریکا وسط نیاید. حال باید خود را آماده این مراحل تکمیل و نباید اجازه دهیم که تا فضای ایران در دنیا امنیتی شود.

وی افزود: عربستان در دنیا امروز بیشتر از اسرائیل علیه ایران سیاوشی می‌کند. اگرچه اسرائیل نیز می‌کار نشسته و اقداماتی صورت داده است، برجام باید دوباره مطالعه شود زیرا

◄ منظورشما درباره کندی اجرای برجام، معطوف به عملکرد کاخ سفید است؟

بیش از آن، اشاره من به مباحث داخلی است. منظورم برخی گشمپاشی‌ها در دفاع از این بند مهم که واقعا با توجه به شرایطی که ایران وارد مذاکرات شد و با شش قدرت جهانی طرف بودیم، یک افتخار بزرگ ملی و حتی جهانی است. غیر از این مسئله، حملات فرصت‌طلبانه و کاسب‌کارانه به برجام از سوی برخی محافل و جریان‌های شناخته‌شده خاص که اگر درد منافع ملی داشتند باید به اجرائی‌شدن برجام و مطالبه‌گری از طرف‌های خارجی می‌پرداختند، همه‌وهمه در کندی برجام موثر بوده است. آنها آب به آسیاب همان کشورهای غربی، اسرائیل و عربستان می‌ریزند که ارقضا آنها را دشمن می‌دانند!

◄ درباره برنامه جامع اقدام مشترک، این کروهبی که به آن اشاره کردید، معتقد است اصل برجام به کوه‌ای تنظیم شده که همان طور که پیش‌بینی می‌شد، اجرای آن ممکن نیست و غرب به‌ویژه ایالات متحده، با روش‌های دیگری آن را خنثی می‌کند. موافقان هم با توجه به برخی دستاوردهای موجود، اعلام می‌کنند روابطی که هشت سال تخریب شده، یک‌شبه بازسازی نمی‌شود و منتقدان دولت آن روزکه در دوران احمدی‌نژاد به آن شکل به دیپلماسی نگاه می‌کردند، باید فکر آثار و عواقب آن را می‌کردند. دولت محبوب آنها با آن مواجه بود- به کارگرفته است، صحبت از دستاوردهای برجام و زمان‌بردن اعتمادسازی با طرف‌های خارجی، حکم «بادآوری» را دارد؛ بادآوری‌ای که محور گفت‌وگوی «شرق» با «جاوید قربان‌اوغلی»، از دیپلمات‌های ارشد وزارت خارجه، است. سفیر ایران در آذربایجان جنوبی در دولت اصلاحات و مدیرکل پیشین آفریقای وزارت خارجه، از جمله تحلیل‌گرانی است که با بادداشت‌ها و گفت‌وگوهای خود در دوران احمدی‌نژاد و در سه ساله دولت روحانی، محوریای دیپلماسی فعال و نه انفعالی را تشریح کرده است. این گفت‌وگو را می‌خوانید:

◄ در یک‌سالگی برجام و حدود شش ماه پس از اجرائی‌شدن آن، آیا باید انتظار تحولاتی بیش از آنچه اتفاق افتاده را درباره اجرائی‌شدن این سند مهم بین‌المللی داشت؟

بله، به‌شخصه انتظار داشتم بسیار بیشتر از آنچه تاکنون رخ داده است. در اجرای برجام جلسه‌می‌رفتیم. متاسفانه تاخیر و تعلل در اجرای برجام به هر دلیل که باشد، باعث می‌شود ما متضرر شویم. چون ما امتیازاتی برای دستیابی به توافق دادیم و همه تعهدات را اجرا کردیم ولی از امتیازاتی که گرفتیم هنوز نتوانسته‌ایم استفاده حداکثری داشته باشیم. البته امتیازاتی که غربی‌ها در زمان دولت احمدی‌نژاد و قبل از آغاز تصویب بی‌دربی قطع‌نامه‌ها و اعمال تحریم‌های قطع‌کننده به ایران بینشهاد کرد بودند، از آنچه در مذاکرات ۲۴ ماهه به دست آمد، بسیار بیشتر بود که یک نمونه آن نامه خانم کاترین امتون وزیران خارجه ۵+۱ به منوچهر متکی، وزیر خارجه وقت ایران، است که محرمانه هم نیست و در سازمان ملل متحد نیز ثبت شده است و خوشبختانه آن به خواندن آن دعوت می‌کنم تا درست‌سوزی‌ها بیشتر نمایان شود.

یک‌سال از برجام گذشت. یک سال برخاسته. از توافقی که آن را تاریخی خواندند و بزرگ دانستند. حالا دولت روحانی مانده و سیل کنایه‌ها، نقدها و انتظارات کوچک و بزرگی که از سوی مخالفان و منتقدانش هرروز به‌کوش می‌رسد و در سالگرد این رویداد مهم، به اوج خود رسید.

بیست و سوم تیر سال گذشته بود که نمایندگان کشورهای و شش قدرت جهانی (آمریکا، روسیه، چین، بریتانیا، فرانسه و آلمان) بر سر پرونده فعالیت‌های هسته‌ای ایران و برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) به‌توافق رسیدند و اجرائی‌شدنش را از ۶ ماه پیش کذشته رسما کلید زدند.

حالا حامیان دولت می‌گویند، توافق هسته‌ای ایران با غرب، بزرگ‌ترین دستاورد دولت روحانی و نقطه قوت کارنامه دولت یازدهم است. آنها آشتی ایران با جامعه بین‌المللی و تبدیل‌شدن ایران به یک قدرت منطقه‌ای را ثمرات برجام می‌دانند و وعده می‌دهند کشایش اقتصادی در راه است.

درمقابل مخالفان تندروی دولت، همه امور کشور را به برجام گره‌زده و حصول و بروز کشایش‌های کشور را در سایه برجام می‌دانند و می‌گویند حالا که یک‌سال گذشت چرا چنین و چنان نشد؟ می‌گویند چرا بی‌کاری بارجست؟ سرمایه‌گذاران خارجی به سمت ایران نیامدند؟ بانک‌ها چرا هنوز شرایط معاملات بانکی جهانی را کامل و جامع ارائه نمی‌دهند؟ حرفشان این است که توافق هسته‌ای تغییری در وضعیت اقتصادی ایران به وجود نیاورده و بخش بزرگی از تحریم‌ها درعمل برداشته نشده است.

درایمین‌ما اما سایه انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و رقابت‌های انتخاباتی آن، برجام را به اهر